

سبک‌شناسی ساختاری و محتوایی شرفنامه بدلیسی اثر شرف‌خان بدلیسی

لیلا آقامجیدی^۱، حسن سلطانی کوهبنانی^{۱*}، علیرضا شوهانی^۱، قهرمان شیری^۲

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

مرداد ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۷۵، صفحات ۲۴۹-۲۶۷

DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲.۱۵. ۶۴۲۱

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: کتاب شرفنامه منبع مهمی در تاریخ کردها و سرزمین کردستان است و یکی از بارزترین مآخذ در بررسی تاریخ محلی ایران و عثمانی بویژه در قرن دهم است که مؤلف آن، خود شاهد بسیاری از رخداد‌های این دوره بوده است. این اثر، علاوه بر نقل وقایع، شامل آگاهی‌های فراوان درباره شیوه حکومتی، دستگاه مالیاتی، دیوانی و اطلاعات جغرافیایی منابع گردنشین است. هدف این پژوهش، با توجه به ارزش این اثر و بقصد شناخت و معرفی بیشتر آن، بررسی ساختاری و محتوایی و نشان‌دادن مؤلفه‌های سبک‌شناسانه آن است. نگارندگان با توصیف و تحلیل شرفنامه در سه سطح زبانی - ساختاری، ادبی - هنری و زیبایی‌شناسی و محتوایی - فکری، سعی کرده‌اند نکات ارزشمند و برجسته اثر را به مخاطب نشان دهند.

روش مطالعه: روش تحقیق در این مقاله، توصیفی تحلیلی می‌باشد و اطلاعات از طریق جستجو در منابع کتابخانه‌ای گردآوری شده است. گستره مطالعه، کتاب شرفنامه می‌باشد که نمونه‌های فراوانی از ویژگی‌های سبکی و محتوایی مبتنی بر شیوه استقرایی از آن ذکر گردیده است.

یافته‌ها: کتاب شرفنامه همان ویژگی‌های نثرهای تاریخی دوره صفویه را دارد و از جانی میراث دوره تیموریان نیز هست که با تأثیر پذیرفتن از عواملی همچون گسترش زبان ترکی در نتیجه تسلط حاکمان و فرمانروایان ترک‌زبان و نفوذ علمای شیعه در ترویج زبان عربی و همچنین بستر فرهنگی سرزمین کردستان، سرشار از واژگان ترکی، مغولی، عربی و احیاناً کردی یا کردی‌گونه است.

نتیجه‌گیری: از جمله ویژگی‌های نثر این کتاب، استفاده هنرمندانه از صنایع بدیعی در حوزه بدیع لفظی و معنوی است که از این میان سجع و جناس در حوزه بدیع لفظی و تشبیه فشرده، استعاره، تلمیح، کنایه و اغراق در حوزه بدیع معنوی، پرسامدترین آرایه‌های ادبی هستند. شرفنامه از نظر فکری، دربردارنده ویژگی‌هایی چون نخیه‌گرایی، شریعت‌مداری انتقادی و درعینحال رویکردی ستایش‌آمیز به کردها است. از دیگر ویژگی‌های نثر این کتاب، اطناب و اسهاب و تکرار مترادفات است. مؤلف کتاب در دیباچه و همه سرفصل‌های کتاب، سخن را تا آنجا که در توانایی اوست، با نثری مسح به درازا میکشاند و هرگاه مقصودش تنها ذکر واقعه و رویدادی است، کلامش بسادگی میل میکند. قلم میرشرفالدین، روان و فهم مطالب، جز در مواردی نادر، آسان است.

تاریخ دریافت: ۱۰ خرداد ۱۴۰۰

تاریخ داوری: ۱۲ تیر ۱۴۰۰

تاریخ اصلاح: ۲۳ تیر ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۱۳ شهریور ۱۴۰۰

کلمات کلیدی:

سبک‌شناسی، شرفنامه،

تاریخ کرد، صفویه

* نویسنده مسئول:

h_soltani12@yahoo.com

۳۲۰۳۲۲۲۷۰۳۲ (+۹۸ ۸۴)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Structural and Content Stylistics of Badlisi Sharafnameh by Sharafkhan Badlisi

L. Aghamajidi^۱, H. Soltani Kouhbanani*^۱, A. Shohani^۱, Gh. Shiri^۲

^۱- Department of Persian Language and Literature, Ilam University, Ilam, Iran.

^۲- Department of Persian Language and Literature, Bu Ali Sina University, Hamadan, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: ۳۱ May ۲۰۲۱

Reviewed: ۰۳ July ۲۰۲۱

Revised: ۱۴ July ۲۰۲۱

Accepted: ۰۴ September ۲۰۲۱

KEYWORDS

Stylistics, Sharafnameh, Kurdish History, Safavid

*Corresponding Author

✉ h_soltani12@yahoo.com

☎ (+۹۸ ۸۴) ۳۲۲۲۷۰۲۲

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Sharafnameh is an important source in the history of the Kurds and the land of Kurdistan. Wiki is one of the most valuable sources in the study of the local history of Iran and the Ottoman Empire, especially in the tenth century. This work, in addition to narrating events, includes a wealth of information on the style of government, the tax system, the judiciary, and the geographical information of Kurdish sources.




Our aim in this research, considering the value of this work and with the intention of recognizing and introducing it further, is to study its structure and content and to show its stylistic components. By describing and analyzing Sharafnameh in three levels: linguistic-structural, literary-artistic, aesthetic and content-intellectual, the author has tried to show the valuable and salient points of the work to the audience.

METHODOLOGY: The research method in this article is descriptive, analytical and the information has been collected by searching library resources. The scope of the study is Sharafnameh book, in which many examples of stylistic and content characteristics based on inductive method have been mentioned.

FINDINGS: The findings of the study indicate that Sharafnameh has the same characteristics of historical prose of the Safavid period and is considered as a legacy of the Timurid period, which is influenced by factors such as the spread of the Turkish language as a result of Turkish rulers and rulers and the influence of Shiite scholars in promoting The Arabic language, as well as being influenced by the cultural context of the Kurdish-speaking land, is rich in Turkish, Mongolian, Arabic, and possibly Kurdish or Kurdish-like words.

CONCLUSION: One of the features of the prose of this book is the artistic use of rhetorical industries in the field of rhetorical and spiritual rhetoric, among which; Prostitution in the realm of novel rhetoric and intensive simile, allusion and irony in the realm of spiritual novelty are the most frequent literary arrays. Sharafnameh intellectually includes features such as; Elitism is a critical Shari'a and at the same time a praiseworthy approach to the Kurds. Other features of the prose of this book are etymology and repetition of synonyms. The author of the book, in the preface and all the chapters of the book, stretches the speech as much as he can with a concise prose, and when his intention is only to mention an event, his words are simply desired. Mirsharafuddin's pen is fluent and easy to understand, except in rare cases.

DOI: [10.22034/bahareadab.2022.107421](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2022.107421)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 ۱۴	 ۳	 ۰

مقدمه

تاریخ‌های محلی یکی از شکل‌های مهم تاریخ‌نگاری ایرانی‌اسلامی است که در کنار انواع تاریخ، کمک شایانی به شناخت تحولات گذشته می‌کند؛ از جمله این آثار، شرفنامه تألیف امیر شرف‌خان بدلیسی است که بعنوان نخستین اثر از نوع خود، به مسئله کردستان پرداخته است. شرف‌خان در حالی به مسئله کرد و کردستان می‌پردازد که بخش عمده این منطقه از دایره تسلط حکومت‌های ایرانی خارج شده و در اختیار عثمانیان قرار گرفته است؛ بنابراین تحلیل مسئله اصلی شرف‌خان در کردشناسی حائز اهمیت است. ساختار و محتوای اثر بر چند پایه یا عنصر اصلی است:

۱. جغرافیای تاریخی و موقعیت سرزمینی کردستان

۲. آگاهی‌های قوم‌شناسی و جامعه‌شناسی کردستان

۳. تحولات سیاسی و نظامی مناطق کردنشین

امیر شرف، کتاب خود را در سال ۱۰۰۳ هجری در دوران حکومت سلطان محمد سوم عثمانی به رشته تحریر درآورد (شرفنامه، بدلیسی: ص ۹) و در سال ۱۰۰۵ هجری آن را به اتمام رساند (وه رگیرانه، ئی یی: ص ۳۰۱) و شامل مقدمه، چهار صحیفه و خاتمه است. مقدمه در بیان جغرافیای تاریخی و ریشه قومی و زبانی کردهاست و هر کدام از صحیفه‌ها با عنوان مشخص بصورت زیر است.

صحیفه اول: حکام مستقل کرد که دارای مقام سلطنت بوده‌اند؛

صحیفه دوم: حکام کردستان که دعوی استقلال نداشته، ولی دارای خطبه و سکه بوده‌اند؛

صحیفه سوم: سایر امرا و حکام کردستان (در سه فرقه)؛

صحیفه چهارم: در ذکر حکام بدلیس.

بخش دوم کتاب موسوم به «خاتمه» با عنوان «در بیان احوال سلاطین حشمت آیین آل عثمان و پادشاهان ایران و توران که معاصر آنان بوده‌اند». این بخش، به حوادث و وقایع دوره فرمانروایی سلاطین عثمانی و پادشاهان هم‌عصر آنها در ایران و آسیای مرکزی بر اساس کرونولوژیک یا سالشمار می‌پردازد. در این پژوهش، به بررسی ویژگی‌های سبکی شرفنامه، از سه منظر فکری، زبانی، و ادبی پرداخته شده است؛ همچنین بدنبال پاسخگویی به این پرسش است که برجسته‌ترین ویژگی سبکی شرفنامه چیست؟

ضرورت و سابقه پژوهش

ارزش علمی کتاب شرفنامه تردیدناپذیر است. از وجود این کتاب سیصد سال می‌گذرد و تاکنون هیچ کتاب دیگری که در مقایسه با آن تألیف شده باشد، نیست. بررسی سبک‌شناسان این اثر، به شناخته شدن هرچه بیشتر کتاب کمک می‌کند و باعث میشود پژوهشگران، بیش از پیش، به اطلاعات بکر موجود در این اثر، توجه کنند.

در زمینه پیشینه پژوهش، اثری که با سبک‌شناسی شرفنامه بدلیسی در پیوند باشد، بسیار نادر است. کتاب «تقلید و تنزل، پاییز نثر فارسی» (شیری، ۱۳۹۸) به بررسی سبک‌شناسی روزگار صفویه و ویژگی‌های انواع نثر می‌پردازد. میتوان گفت این کتاب دوجلدی، جامع تمام پژوهش‌های پیش از خود است. در رابطه با شرفنامه، پژوهش‌هایی که صورت گرفته، کاملاً از موضوع پژوهش حاضر فاصله دارند؛ از جمله مقاله «معرفی و مطالعه نگاره‌های شرفنامه امیرشرف‌خان بدلیسی (شرفنامه بودلیان)» (حاتم و همکاران، ۱۳۹۴)؛ این مقاله به بررسی نگاره‌های موجود در شرفنامه نسخه بودلیان پرداخته است و اشاره‌ای به سبک نگارش آن ندارد و صرفاً به معرفی تنها نسخه مصور شرفنامه و بررسی سبک نگاره‌ها پرداخته است. مقاله‌ای دیگر با عنوان «تحلیل رویکرد تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری

شرف‌خان بدلیسی در شرفنامه» (محمدی و فیضی، ۱۳۹۹) نگاشته شده است که در این مقاله نگرش علمی و انتقادی ادیبان و مورخان کرد و پژوهشگران و نویسندگان اروپایی به کتاب شرفنامه بررسی و تحلیل میشود. خلأ تحقیقاتی در این مورد، ضرورت انجام پژوهش را به اثبات میرساند.

روش مطالعه

در این پژوهش در جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آنها از روش اسنادی یا کتابخانه‌ای و فیش‌برداری از متن جامعه آماری (شرفنامه بدلیسی) استفاده شده است. از لحاظ روش، این پژوهش، توصیفی - تحلیلی است که با تجزیه و تحلیل ساختاری و محتوایی - فکری اثر انجام شده است. این پژوهش با بررسی نسخه مسکو (زرنوف) صورت گرفته است. این مقاله اولین پژوهش جامع سطوح سه‌گانه سبک‌شناسی درباره شرفنامه میرشرف‌خان بدلیسی است.

بحث و بررسی

در این پژوهش به بررسی سبک‌شناسانه شرفنامه، در سطوح سه‌گانه زبانی، ادبی، فکری - محتوایی پرداخته‌ایم.

سطح زبانی

سطح زبانی به سه سطح آوایی، لغوی و نحوی تقسیم میشود.

(الف) آوایی؛ (ب) لغوی؛ (ج) نحوی

سطح آوایی: در سطح آوایی، موسیقی بیرونی و درونی بررسی میشود؛ «آنچه خصوصیات زبانی یک اثر ادبی را مشخص میکند، عبارت از ویژگیهای آوایی واژه‌ها، واژگان، گروه‌های اسمی و فعلی و جمله و ارتباط مؤثری که بین اجزا وجود دارد. آواها در شکل و محتوای متن تأثیرگذارند. در علم زبان‌شناسی «آوا» در حقیقت امواج هواست که خود نوعی ماده محسوب میشود. آواشناسی توانایی کلی انسان را در زمینه تولید و دریافت آواهایی که در زبان بکار می‌رود توصیف میکند» (آواشناسی، حق‌شناس: صص ۱۱ - ۱۲).

(الف) موسیقی درونی؛ بدیع لفظی

سجع: در کتاب شرفنامه، بسامد آرایه سجع بسیار است.

متوازی: خیاری و خباری، مرافقت و موافقت (۴۲)، امت و حضرت (۶۲)، محاصره و محاربه، مدارا و مواسا (۵۲)، محاصره و محاربه (۶۳)، مدافعه و مقاتله، ایوان و کیوان، سور و صور، صغیر و کبیر (۶۳)، شمشیر و تسخیر (۶۴)، شامل و مایل (۷۴)، حراست و صیانت (۹۳)، عارف و واقف (۱۹۱)، مساهله و مسامحه (۱۱۳).

متوازن: لعین و عظیم و اسیر (۶۲)، رافع و مایل (۷۴)، تجهیز و تکفین (۷۴)، حفظ و ضبط (۹۳)، اقران و امثال (۱۸۸).

مطرف: صلاح‌الدین و لعین، امت و رسالت (۶۲)، کبیر و تکبیر منجنیق و تضییق (۶۳)، شمشیر و تیر (۶۴)، عداوت و مخالفت (۱۰۲).

تضمین‌المزدوج: «آن است که در اثنای جمله نظم و نثر، کلماتی را پیوسته یا نزدیک به یکدیگر بیاورند که در حرف روی موافق باشند. از آنجاکه علاوه بر رعایت حدود سجع و قافیه، در اثنای جمله، کلمات مسجع، قرینه‌بندی شده باشد، آن را نیز تضمین‌المزدوج میگویند» (فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی: ص ۴۸). این صنعت ادبی نیز در کتاب شرفنامه پرکاربرد است.

آغاز محاصره و محاربه کرد، ... در باب مدافعه و مقاتله مسلمانان، ... بضرَب سنگ منجنيق در تضييق نصارى كوشيده

غلغلة تكبير صغير و كبير بچرخ اثير رسيد،... (۶۳)

بضرَب شمشير و تير در حيز تسخير مصريان درآمد (۶۴)

از سکنه سينه تا معارج سعود صعود نمايد (۲)

و صلاح‌الدين به تمشيت مهمات مصر قيام و اقدام نمود (۵۷)

جناس: در کتاب شرفنامه، پربسامدترین جناس، جناس مضارع و لاحق میباشد.

جناس تام؛ یمن یمن (۷۳).

جناس مرکب؛ بکرات به کرات (۹۲).

جناس مضارع؛ ایوان کیوان (۶۳)؛ مایل شامل (۷۴)؛ حلم علم (۷۴)؛ لیل میل (۷۲)؛ صدد مدد (۷۴) صیام قیام

(۷۴)؛ رتق فتق (۷۲) مرافقت موافقت (۴۲)، کار و بار (۴۳).

جناس اشتقاقی؛ کبیر تکبیر (۶۳)؛ صور صورت (۶۳) رسایل رسل (۷۳).

جناس مذیل؛ صورت، صور (۶۳) کبیر، تکبیر (۶۳) یآوری، یاری (۱۸۹) جد، جهد (۱۳) لر، لری (۳۲) شعبه شعب

(۳۲)، دم، قدم (۵۲) عنوان، عنفوان (۱۰۳).

جناس مطرف؛ راه، راز (۲۵۳۵) ها، هو (۲۵۴۳) مرا، مرد (۲۴۰۰) بیم، بید (۲۱۵۰)، خیره، خیری (۲۲۲۹)، زبانم،

زبانم (۲۳۰۶)، دهانم، دهانم (۲۳۰۶) صوب، صور (۶۳).

جناس: خط؛ خیاری خیاری (۴۲)؛ صور سور (۶۳) سعود صعود (۲).

تکرار: تکرار در سطح واژه رخ میدهد و بعنوان مؤلفه سبکساز در لایه واژگانی نیز مطرح میشود. همه انواع تکرار بنحوی در آهنگ و موسیقی شعر تأثیر میگذارد و انواع گوناگون تکرار عبارتند از: تکرار واک (واج آرایه) هجا، واژه، عبارت یا جمله یا مصراع (تکرار اساس موسیقی شعر، جمالی: ص ۵۷). این آرایه در سراسر شرفنامه، بفرآوانی دیده میشود.

تکرار واج: و نجم‌الدین امیری بود بغایت نیکو صورت و پاکیزه سیرت به صفت عقل و دیانت موصوف و به زیور عدل و امانت معروف (۵۶) (تکرار ن، م، د، ی ب سو، آ، ت س/ص، ف ل، ز، ر).

و صلاح‌الدین به تمشیت مهمات مصر قیام و اقدام نمود (۵۷) (تکرار ن، م، د، ی ب آ، ت ص).

من حیث الإستقلال به ضبط امور ملک و مال پرداخته رعیت و سپاهی را مستظهر و مستمال گردانید (۵۸) (تکرار م، د، ی، آ، ت اظ، س/ا، ض اظ، ر).

خواست که به مصر رود و دیگری را به عوض صلاح‌الدین به عزت سلطنت رساند. چون این خبر به صلاح‌الدین رسید پدر و خال و اقربا و امرای خود را جمع ساخته جهت دفع آن واقعه قرعه مشورت در میان انداخت (۵۸) (تکرار واجهای ع، ز، س، خ، ر، ق

هم صدایی: زمام رتق و فتق و قبض و بسط آن ولایت را بقبضه اختیار پسر خود ملک کامل داد (۷۲).

و او جوانی بود در غایت حلم و حیا و در نهایت عفت و سخا (۶۹).

مغز سر گوسفند داخل مغز او مینمود (۱۲).

و بواسطه حفظ و حراست و ضبط و صیانت الوشات و احشامات آن نواحی، چند نفر از امراء قزلباش را تابع او ساخته.

همحروفی: این شخص لیاقت حکومت حکاری دارد (۹۲).

در کاروبار ولایت رونق و رواجی تمام داده (۴۳).

در مابین ایشان مقابله و مقاتله واقع گشته (۸۹).

آخر الامر یکی از بیگلربیگیان قصد گرفتن او کرد (۵۲).

تکریر: سه بار آوردن «تجربه» در سه سطر و دو بار «عقلا» و چندین بار «شعور» و «علم» و «تواریخ» (۶)، فوج

در فوج و موج در موج (۷)، آهسته آهسته (همان: ۱۳، ۱۳۲) آهسته آهسته جمعی کثیر مجتمع گشته (۱۲).

روزبروز (همان: ۱۲۳، ۱۸۲، ۲۵۳، ۲۷۳، ۲۷۵)، یوماً فیوماً آنأ فأنأ (خاتمه: ۶)، یوماً فیوماً، گاه گاه (۱۷۶)، قرناً بعد

قرن و بطناً بعد بطن (۱۸۶)، ...

چنانکه مشخص است، بسیاری از تکرارها، قید هستند.

سطح لغوی

بررسی و تحلیل این اثر از لحاظ لغوی بیانگر تسلط نویسنده بر دایره لغت زبان فارسی، کردی، عربی و ترکی مغولی از جهت ترکیب‌سازی و کهن کاربردهاست. در این کتاب شاهد لغات و ترکیباتی هستیم که روزگاری رواج داشته و کم‌کم به فراموشی سپرده شده و یا دچار دگرگونی شده است.

واژه‌های فارسی: در مجموع ۳۱۰۰۴ واژه فارسی در شرفنامه بکار رفته است که برخی از آنها تکرار شده‌اند.

واژه‌های کوردی یا کوردی‌وار: ۴۴۱ واژه کوردی مانند اردلان، اگری، ایروان، بانه، بانوکی، پایز، پرتال، پلاس، تاتا، توران، جار، جلکی، چالدران، چته، چمشگزک، چمگ، چناران، حسنکیف، خانی، خوار، داله، روزکی، گرمیان و ... و یا کوردی‌گونه که از ظاهر آن پیداست ترجمه‌ای از الفاظ رایج در کوردی است؛ مانند بددعا، دامان، دخترزاده، طالش و ... واژه‌های کوردی، بندرت تکرار شده‌اند.

واژه‌های ترکیبی: ناگفته پیداست برخی واژه‌های مرکب، از آمیختگی دو زبان ساخته شده‌اند.

واژه‌های ترکی و مغولی: واژه‌های ترکی و مغولی بسیار زیاد بکار رفته‌اند؛ بگونه‌ایی که سبب دشواری فهم مطالب شده‌اند. در مجموع، ۲۳۵۷ واژه ترکی-مغولی در شرفنامه بکار رفته است که بیشتر آنها، بارها تکرار شده‌اند.

اتابک: (۷ بار)، اتابکان: (۱ بار)، اتابکی: (۱ بار)، اریاخان: (۱ بار)، اریه‌لق: (۱ بار)، ازبک: (۱ بار)، استاجلو: (۲۵ بار)، اسمی‌خان: (۵ بار)، اصلان: (۱ بار)، اطنوس: (۱ بار)، اغاج: (۷ بار)، اغزوار: (۱ بار)، اغور: (۱ بار)، اغورلو: (۴ بار)، آق: (۷ بار)، اقاصی: (۲ بار)، اقبوقا: (۱ بار)، آقچه: (۱۷ بار) و ...

واژه‌های عربی: آوردن واژگان عربی و پیروی از نحو عربی در بسیاری زمینه‌ها؛ در مجموع، ۳۲۰۹۷ واژه عربی در این اثر بکار رفته است که بیشتر آنها بارها تکرار شده‌اند. در این واژه‌ها انواع کلمه هست، از اسم و لقب و کنیه و جمع مکسر تا صفت و مصدر و اعداد.

آنأ فأنأ، بحمداله، بدیع التبلیغ، بدیع الزمان، بعون الله، بقیه‌السیف، بلازیاده، بلامجادله، بلامشارکت، بلامضایقه، بنات‌النعش، بناء علی هذا، بیت‌الأحزان، بیت‌المال، بین‌الأتراک، بین‌الأقران، تذکره‌الشعراء، حسب‌الإمكان، حسب‌الحکم، حسب‌الرضا، حسب‌الفرمان، خیر‌الأنام و ...

آوردن مترادفات بیش از حد: اختلاط مردمان و تردد بلدان (۱۳)، ازاله علت و استرداد صحت (۱۲)، اسیر و دستگیر (۱۲۴) و پنج مورد دیگر، اطبای حاذق و حکمای مدقق (۱۲)، اطراف و اکناف، اطراف و جوانب، اطراف و نواحی

۱۸۳) و بیست و هشت مورد دیگر)، اطراف و نواحی (۱۵۲) اعزاز و اکرام، اعزاز و احترام (۶۴، ۷۳، ۹۲ (دو بار)، آثار شجاعت و علامت شهامت، شجاعت و تهور، تهور و شجاعت (۹۲ و هجده مورد دیگر) و...
واژه‌های اداری: امیرشرف‌الدین از کودکی در دستگاه شاه تهماسب پرورش مییابد. از سرداران سپاه شاه تهماسب و امیرالأمراء اکراد بوده است. همچنین بخش زیادی از کتاب، درباره سران و بزرگان است؛ به همین سبب این کتاب پر از اصطلاحات اداری و درباری و واحدهای اندازه‌گیری دادوستد و مسافتها و مجازاتها و... است.
دارالملکش قومش و شهر زول بوده ... (۲۲).

دارالإماره (یک بار)، دارالخلافة (دو بار)، دارالسلام (مجاز به جای اسم خاص به معنی شهر بغداد، شش بار)، دارالسلطنة (پانزده بار)، دارالشفاء (یک بار)، دارالضیافه (یک بار)، دارالقرار (یک بار)، دارالمرز (یک بار)، دارالملک (پنج بار).

آوردن مصراع یا بیتی در میانه متن که گاهی از خود مؤلف است.

نظم چو جمشید ازین وحشت‌آباد رفت	بیرون برد بگرفت ضحاک تخت
قضا کرد ملک اقالیم سبع	مقرر بضحاک شداد طبع
اسامی که دشمن دین نهاد	نه بر وضع شاهان پیشین نهاد
در ایام او این سخن عام بود	که ایام او شرّ ایام بود

(۱۲)

سطح نحوی

در این قسمت ساختار دستوری، اعم از صرف و نحو مورد تحلیل قرار گرفته است که موارد مهم آن عبارتند از:
ترکیبات وصفی و اضافی: انواع ترکیبات وصفی و اضافی در شرفنامه بفرآوانی بکار رفته است. میزان کاربرد انواع اضافه، تقریباً دوبرابر ترکیبات وصفی است. بسیاری از وصفها عربی هستند و یا ویژگیهای صفت و موصوف عربی را دارند. همچنین برخی از وصفها مرکب و یا چندجزئی هستند.

اجل موعود (۱۵۲)، (۱۵۳)، (۱۸۲)، (۱۹۳)، (۲۱۲)، اخلاق حمیده (۱۴۳)، اطبای حاذق (۱۲)، اطوار پسندیده (۱۴۳)، اعلاء علیین (۱۸۴)، اقالیم سبع (۱۲)، اقوال مختلفه (۱۲)، اکثر امرا (۱۹۲)، اکثر اوقات، (۴۲)، اکثر جهان (۱۲)، امراء عظام (۲۰۳)، انواع رعایت (۱۹۲)، اوایل حال (۱۸۴)، اولاد ذکور (۱۷۴)، (۱۸۲)، (۱۸۴)، (۱۹۲)، ایام او ۱۲، این اخبار (۲۰۳)، این اقوام (۳۳) و...

کاربرد واژگان و مفردات، جملات، عبارات، ترکیبات، اسماء مصادر، صفت تفضیلی و ذکر تاریخ به عربی:
شرفنامه سرشار از واژگان، مصدرها و ترکیبات عربی است: لثیمان، مضمون، بلاغت، مشحون، اکثر، امور، دنیوی، قطاع‌الطریقی، بالتمام، طوایف اکراد، جهد تمام و اقدام مالاکلام، صوم و صلوه، عتاب و خطاب، مکفوف‌البصر، سنن حضرت خیر الأنام علیه الصلوه و السلام و متابعت صحب و خلفای عظام کرام، سنه تسع و ثلاثین و اربعمائه، در شهر سنه خمس و تسعین و اربعمائه، شوال سنه خمسّمائه، اشتهار، اطلاق، مذکور، موضع، اعتبار، رقم، حکومت، بغایت، بلانهایه، البته (۴۲)، قضا را (۹۲)، در ساعت (۱۲۲)، بالکلیه، بالفعل (۱۲۳)، فی‌الواقع (۱۳۱)، بلامشارکت، باستقلال (۲۱۲).

کاربرد وجه وصفی: با این که نثر کتاب، یکدست نیست، وجه وصفی در سرتاسر متن بفرآوانی وجود دارد: ... وجع بر ضحاک مستولی شده چنانچه او را... تاب توانایی نمانده و اثری بر آن مترتب نشده تا شیطان لعین بر ایشان

بصورت طبیعی ظاهر شده و بزحاک گفته و بعضی از ایشان صاحب اموال و اغنام گشته ... و بقول برخی از مورخان دیو با انسان ازدواج کرده طایفهٔ اکراد از ایشان پیدا شده ... (۱۲ و ۱۳).

کاربرد فعل مجازی: افعالی مانند «نمودن» و «گردیدن» در معنای مجازی بمنظور جلوگیری از تکرار افعال که توسط نصرالله منشی در کلیله و دمنه آغاز شده بود و تا به امروز نیز رواج دارد (سبک‌شناسی بهار، ج ۲: ص ۲۸۹). این افعال در کتاب شرفنامه نیز پرکاربرد هستند.

از دار فنا بدار بقا رحلت نمود (شرفنامه، بدلیسی: ۲۲).

کاربرد نمودن به جای کردن: عمل نمودند (۱۲)، داخل مینمود (۱۳)، منتهی میگردد (۱۳)، از دار فنا بدار بقا رحلت نمود (بدلیسی: ۲۲)، مقهور گردانیدند (۴۲)، سبب استنکار عقول گردد (۸۳)، روانه گشت (۸۴)، معروض ... گردانید (۱۰۲)، گشت {به معنی شد} (۱۲۲)، مشغولی نمود (۱۲۲)، اقدام نمود (۲۰۲).

کاربرد گزاردن: «گزاردن» در معنای انجام دادن و ادا کردن در ترکیبهایی چون نماز گزاردن و خدمت گزاردن، بصورت «گذاردن» نوشته شده است: و نماز عید اضحی در آن مقام متبرکه گذارده بعشقلان رفته (۶۴). بگذاردن فریضیهٔ عصر رفته بود (۱۳۴). دوازده هزار نفر کفره خراج‌گذار دارد (۱۵۲).

کاربرد حذف، تخفیف، اشباع کلمات: در این بخش نمونه‌های ابدال، حذف، تخفیف و اشباع آورده میشود. حذف: از آنجمله بعضی برانند ... پنجم سلاطین پیشدادیانست ... مغز سر آدمی جوانست ... بعضی از ایشان صاحب اموال و اغنام گشته ... طایفهٔ اکراد از ایشان پیدا شده ... (۱۲).

بکار بردن «خزینه» و «خزانه» به یک معنی: خزینهٔ پاشا (۱۰۶)، خزینهٔ عامره (۱۳۴) و پانزده مورد دیگر). در خزانه محبوس داشتن (۱۳).

آذربایجان و آذربایجان بیش از ده مورد (۲۱۲، ۳۳۵، ۳۶۴، ۴۵۴ ...).

همچنین «درین» به جای در این، «درو» به جای در او، «ازین» به جای از این، «بدو» به جای به او و «او» به جای آن در شرفنامه دیده میشود.

ابدال: عالم فانی را پدرود کرد (۱۵۳)، شعبهٔ دویم (به جای دوم) (۱۳، ۱۸۳)، سیم (به جای سوم) (۱۳).

ادغام: کاهش یا ادغام: برخی از مورخان، شداد ازو تعبیر کرده‌اند (۱۲)، درین وادی (۱۴)، قضایای به جای قضایایی (۱۱۲).

کاربرد افعال پیشوندی: بازخورده، درآمد، بخایید، بازگشته (۲۴)، درخواستند (۳۴) ...

کاربرد افعال ساده، مرکب، پیشوندی: افعال بکاررفته در شرفنامه، هم ساده هستند، هم مرکب و هم پیشوندی؛ افزون بر اینها، گاهی مؤلف، به سبک خراسانی بازمیگردد و صورت کهن افعال را بکار میبرد. نمونه‌ای از افعال بکاررفته در شرفنامه: تعبیر کرده‌اند، عیان کرده‌اند، است، شد، گوید، سر بدر کرده بوده است، گویند، تاب نمانده، جهد مشکور نمودند، مترتب نشده، گفته است، ظاهر شده، کنند، عمل نمودند، موافق افتاده، تسکین یافته (۱۲).

فعل ساده: گوید، است، کنند، (۱۲)، رفتند (۱۳)، می‌آید (۱۳)، مینهند (۱۴)، میدهند (۱۴) دارند (۱۴)، است (۱۴)، بردند (۲۳)، انداختند (۲۴)، بوده‌اند (۳۳)، خواهد شد (۳۳) و...

فعل پیشوندی: بازخورده، درآمد، بازگشته (۲۴)، درخواستند (۳۴)، درکشید (۱۸۴، ۲۱۴)، درآورد (۲۰۲)

و...

فعل مرکب: تعبیر کرده‌اند، عیان کرده‌اند، جهد مشکور نمودند، عمل نمودند، موافق افتاده، تسکین یافته (۱۲)، بقتل رسیده (۱۳)، استعمال میشده (۱۳) و...

فاصله افتادن میان اجزای فعل مرکب: جهد مشکور نمودند (۱۲)، تاب لمعۀ تیغ شمس‌الدوله نیاورده... (۲۲)، سعی بلیغ کرده ... (۲۳)، آغاز محاصره و محاربه کرد (۶۳)، شروع در شرح احوال ایشان میشود (۹۲)، چون ملاحظه اوضاع و اطوار اسدالدین زرین چنگ کرده (۹۳)، ترغیب سفر شام کرد (۱۲۲)، تفویض ایالت جزیره بدو شد (۱۳۳)، قطع امید از آن جانور کردند (۱۸۴)، دست در حبل‌المتین مدارا زده (۱۹۲)، حکومت خیزان بلامشارکت معاندان باستقلال کرد (۲۱۲)، اطلاق لفظ حاکم کرده (۲۱۳)، ...

جابجایی موصوف (هسته) با صفت پیشین (وابسته):

مرد کریم طبع رحیمدل ولی شعار مرحمت‌آثار (۱۳)
 خواجه نیکوسیرت، وزیر خجسته‌فرجام (خاتمه: ۳۴)،
 نواحی چند (۳۲۴) / کلمه‌ای چند (۳۸۴)، وشاق چند (۴۰۵)، قطرات چند (۴۱۴)، روزی چند (خاتمه: ۱۵)، سطر چند (خاتمه: ۱۵)، اعتراضی چند (خاتمه: ۱۶۴)، مقدماتی چند (خاتمه: ۲۳۴)، سخنی چند (خاتمه: ۲۴۴)، نذورات چند (خاتمه: ۲۹۵).

کاربرد اسم جمع: سپاه چهارده مورد، لشکر هشتادوهفت مورد، مردم چهل و یک مورد، طایفه هشتاد و شش مورد، قبیله سه مورد، گروه ده مورد.

جمع بستن واژه‌های «اسم جمع» با «ان»: مردمان.

جمع بستن واژه‌های «اسم جمع» با «ها»: در شرفنامه مشاهده نشد.

دوباره جمع بستن واژه‌های «اسم جمع» بصورت «جمع مکسر»: قبایل شانزده مورد، طوایف بیست و چهار مورد.
 تأثیر صرف و نحو عربی: اقوال مختلفه (۱۲)، طوایف اکراد (۱۲)، طایفه اکراد (۱۲)، علت غریبه (۱۲)، اطبای حاذق (۱۲)، حکمای مدقق (۱۲)، سعی موفور (۱۲)، جهد مشکور (۱۲)، مدت مدید (۱۳)، عهد بعید (۱۳).
 مطابقت بین صفت و موصوف: سلاطین پیشدادیان (۱۲).

کاربرد «یت» مصدر جعلی‌ساز: دوستی بدشمنی خصوصیت بعداوت مبدل شده (۲۱۳). بیش از یک مورد، مشاهده نشد.

سطح ادبی

موسیقی معنوی؛ بدیع معنوی

صنایع معنوی یکی از ارکان اساسی موسیقی معنوی است که بر جنبه شناختی یک اثر تأثیرگذار است. «به بیانی دیگر، همه ارتباط‌های پنهانی عناصر یک بیت یا یک مصراع، اجزای موسیقی معنوی آن اثر را تشکیل میدهد. بسیاری از صنایع معنوی بدیع مثل ایهام، مراعات نظیر، تضاد، تلمیح، حس‌آمیزی و ایهام و... در حوزه این موسیقی گنجانده میشود» (ردیف و موسیقی شعر، محسنی: صص ۱۲ و ۱۳).

بر اساس نظر یاکوبسن، متون دو دسته‌اند: در متون دسته نخست، پیامی خاص از راه زبانی روشن و ساده (تا آنجا که امکان دارد رها از هرگونه پیچیدگی کلامی) ارائه میشود. ما در زمان خواندن چنین متونی اساساً متوجه زبان نمیشویم. اینجا زبان شفاف است و شاید بتوان گفت که زبان «حذف میشود»؛ توجه ما صرفاً به معنای نهایی پیام است و زبان بیش از ابزاری برای درک پیام نیست. متون علمی در این دسته جای میگیرند و رولان بارت چنین زبانی را «نثر علمی» خوانده است؛ اما در متون دسته دوم پیام وابسته به شیوه بیان است. پیچیدگی و حتی رازهای

زبانی اینجا امتیازی بحساب می‌آید، زیرا پیام چیزی جز این پیچیدگی نیست (ساختار و تأویل متن، احمدی: ص ۶۸) بر این اساس اگرچه شرفنامه، در جایگاه کتاب تاریخ، علمی است و از آن انتظار نثر ساده علمی داریم، به سنت پیشینیان و همعصران متنی هنری و آراسته دارد.

تشبیه

الف) تشبیه بلیغ و تشبیه مفصل

تشبیه فشرده یا بلیغ: در شرفنامه فراوان است و از انواع تشبیه، بالاترین بسامد را دارد: باد غرور و نخوت (۱۷۳)، بساط حکومت (۲۲۲)، جاده متابعت (۲۰۴)، جام حکومت (۱۸۳)، چوگان مروت و فرزانیگی (۱۴۳)، زنگ غم (۱۹۲)، ساحل نجات (۱۵۲)، کاخ دماغ (۱۴۴)، گوی تفوق و رجحان (۱۴۳)، گنج قناعت (۱۷۲)، (۱۷۳)، نخل احسان (۱۴۳)، مرغ آرزو (۱۴۳).

تشبیه مفصل: دو رگ از کتفهای او مانند دو مار سر بدر کرده بوده است (۱۲)، درون قلعه را از وجود مخالفان پریشان‌روزگار بصیقل تیغ آینه‌کردار چون درون خلوت‌نشینان پاکیزه‌طوار و قلوب محرمان سرپرده اسرار و صدور مشغولان {مشمولان} آیه کریمه یستغفرون بالأسحار مصفی ساختند (۹۳).

جدول بسامد ارکان تشبیه در شرفنامه

مفصل	بلیغ	نوع تشبیه
.۲۰	.۸۰	درصد

نگاهی سطحی به ارکان تشبیهات کتاب شرفنامه بیانگر این مسئله است که تشبیه بلیغ بسامد بالایی در این منظومه دارد.

ب) تشبیه از نظر معقول و محسوس: اغلب تشبیهات کتاب شرفنامه «محسوس به محسوس» است و مشابه به آنها اغلب برگرفته از عناصر طبیعت مانند «زنگ (۱۹۳)، باد (۱۷۳)، جام (۲۰۴)، ساحل (۱۷۲)، گنج (۱۷۲)، کاخ (۱۴۴)، چوگان (۱۴۳)، آینه (۱۲)، صاعقه (۱۴۴)، بساط (۲۱۴)، گوی (۱۴۳) و... است. در حقیقت ارکان تشبیه در کتاب شرفنامه تازگی چندانی ندارد. همان وجه‌شبه‌های شناخته‌شده سنن ادبی را به مدد مشابه‌های معهود بکار میبرد که همین عامل معهود و شناخته‌شده بودن، سبک شخصی خاصی را برای این نویسنده خلق نمیکند؛ البته این ویژگی معهود و شناخته‌شده بودن تقریباً در تمام سطوح و لایه‌های سخن وی دیده میشود. تشبیهات محسوس به معقول و معقول به محسوس هم در این کتاب دیده میشود؛ اما شمار تشبیهات و تشبیهات معقول به معقول نادر است.

در بسیاری موارد مشابه عقلی و مشابه حسی است و به مفهوم یا پدیده‌ای حسی مانند شده است: باد غرور و نخوت، بساط حکومت، جاده متابعت، جام حکومت، چوگان مروت، زنگ غم، ساحل نجات،
و در بسیاری موارد مشابه و مشابه حسی است: ولایت موروثی را بضرب شمشیر صاعقه‌کردار مستخلص ساخت (۱۲۳).

در معرکه دلوری و شجاعت و هنگامه بهادری و شهامت، قوت بازوی کامکار و ضرب شمشیر صاعقه‌کردار دستبردهای مردانه نموده (۱۴۳).

تشبیه محسوس به محسوس: دو رگ از کتفهای او مانند دو مار سربردر کرده بود (۱۲).
تشبیه معقول به محسوس: شعر در کمال جودت میگفت و جواهر معانی را با الماس فکرت میسفت (۸۲).

جدول بسامد انواع تشبیه

نوع تشبیه	محسوس به محسوس	به محسوس به معقول	معقول به محسوس	معقول به معقول
درصد	۴۰٪	۲۵٪	۲۵٪	۱۰٪

استعاره

بیشتر استعاره‌های شرفنامه تکراری و از نمونه‌های متون گذشته و از نوع استعاره مصرحه و مکنیه است و یا حداقل، نزدیک به آن دسته استعاره‌هایی است که نویسندگان سبکهای مصنوع و ساده تاریخی، آن را بکار میبردند. واژه‌های این استعاره بدلیل آنکه در یک متن تاریخی بکار رفته، در وهله نخست واژه‌های تاریخی و پس از آن عناصر طبیعی است. نثر کتاب شرفنامه از آنجاکه در برخی قسمتها، مصنوع است، بسامد استعاره مکنیه و تخیله در آن بالا است.

استعاره مصرحه: آنست که مشبه را از تشبیه حذف کنیم و تنها مشبه‌به را ذکر نماییم.

متوجه دیگر بلاد اهل ضلال شد (۶۳).

تا آن غایت در تصرف ارباب ضلالت بود (۶۳).

ملک عادل ازین عالم آب و گل بصر حسرت دل بر کند (۷۲).

بنای ظلم و ستم بصحبت اهل خیر و صلاح بسیار مایل و الطاف عمیقش اصحاب علم و فضل را شامل (۷۳).

از این دست در شرفنامه فراوان است.

استعاره مکنیه و تخیلیه: استعاره و زبان مجازی مناسبترین و وسیعترین قلمرو برای بلندپروازیهایی تخیل شاعر است که گفتار را از تنگنای زبان عرف و حقیقی خارج میکند و به عالم پر از شگفتی شعر وارد میکند. این زبان از زبان عادی نشئت میگیرد، تکامل مییابد و با تمهیدات هنری آراسته میشود. بگونه‌ای که چیزی میگوید و چیز دیگری را اراده میکند. استعاره مکنیه در کتاب شرفنامه، بیشتر بصورت اضافی بکار رفته است.

استعاره مکنیه از نوع غیراضافی

ندای فاعتبروا یا اولی الأبصار را بگوش هوش افاصی و ادانی رسانیده (۹۲).

زبان روزگار مناسب این قصه غزابت آثار این طرفه ابیات انشا فرمود (۹۳).

ساعت بساعت ستاره طالعی در اوج رفعت لامع میشد تا بقیه‌السیف بختی را بدلالت و استمالت بر سر رایت خود جمع نموده (۱۲۳).

رهمنونی طالع ارجمند باراده حکومت از کنج عزلت اسب همت بمیدان جرئت رانده (۱۲۳).

زامام مهمام امور حکومت جزیره در قبضه اقتدار امیر شرف آمد (۱۴۳).

لشکر سرما و بارندگی دست به بیداد برآورده (۶۳).

استعاره مکنیه از نوع اضافی

آواز چنگ (۱۹۲)، بازوی کامکار (۱۴۳)، پایه سریر خلافت مصیر (۲۲۲)، جوار رحمت (۱۵۳)، جیب حیات (۱۵۲)،

چنگ اجل (۱۵۲)، دست تقدیر (۸۲)، دنیای فانی (۱۸۳)، روی حکومت (۳۲)، زمام مهمام (۱۴۳)، (۱۶۳)، (۱۴۴)،

نالای (۱۹۲)، زبان روزگار (۹۲)، کمر شمشیر (۵۲)، عنان عزیمت (۵۳)، جبهه آمل (۱۲۳)، قبضه اقتدار (۱۴۳)،

خنجر خون آشام (همان: ۹۰، ۹۴).

جدول بسامد انواع استعاره در کتاب شرفنامه

استعاره مصرحه	استعاره مکنیه و تخیلیه
۳۹/	۶۱/

تضاد: صدق و کذب (۶)، متقدم و متأخر، لیل و نهار، نو و کهن (۷)، اوایل و اواخر (۲۱)، دار فنا و دار بقا (۲۲)، صلح و جنگ، لطف و عطف (۲۶)، صغیر و کبیر و غنی و فقیر (۱۰۹) روز و شب (۱۱۰) صغیر و کبیر و غنی و فقیر و کفره و اسلامیة (۱۱۲) قبض و بسط (۱۱۴) فنا و بقا (۱۱۸) صغار و کبار (۱۲۰)، صبح اقبال و شام اختلال (۱۲۳)، صبح و شام (۱۲۷)، ظاهر و باطن (۱۲۸)، جزئی و کلی (۱۳۱)، شیخ و شاب، صغار و کبار (۱۳۶)، آشنا و بیگانه، دور و نزدیک، دوست و دشمن (۱۴۳)، قشلاق و بیلاق (۱۴۵)، صغیر و کبیر، غنی و فقیر (۱۵۰)، شیرین و تلخ (۱۵۶)، خرد و بزرگ (۱۵۹)، بزرگ و کوچک (۱۶۵)، خواص و عوام (۱۷۶)، شب و روز (۱۷۶)، آشنا و بیگانه، دور و نزدیک (۱۸۸)، عرب و عجم، ذره و آفتاب (خاتمه:۴).

مراعات نظیر: بسیاری از مراعات نظیر یا تناسب‌های کتاب شرفنامه، علاوه بر جنبه زیباشناسی و ایجاد هماهنگی و تناسب در شعر، دخل و تصرفی نیز در معنی دارد و وسیله‌ای برای توجه خواننده به معنای شعر است.

محرران نامه تدبیر و هو علی شیء قدیر صورت این مقدمه بر لوح بیان چنان عیان کرده‌اند (۱۲).

در **جنگل** و **جبال** در میانه **بیشه** و **قلال** / آثار **عمارت** و **زراعت** و **آبادانی** کردند / بعضی ازیشان صاحب **اموال** و **انعام** گشته / **بصحاری** و **بیابان** رفتند (۱۳).

در **شرایع اسلام** و **سنن حضرت خیرالانام** علیه الصلوة و السلام و متابعت **صحاب** و خلفای **عظام** کرام و ادای **صلوة** و **زکوة** و **حج** و **صیام** جد و جهد تمام و اقدام مالاکلام دارند (۱۴).

موارد مراعات نظیر در شرفنامه بسیار اندک و انگشت‌شمار هستند.

اغراق: برعکس مراعات نظیر، مبالغه و اغراق و احیاناً غلو در شرفنامه، بسیار فراوان است.

در عدل و داد بمرتبه‌ای مبالغه میکرده‌اند که از برای **خیاری خیاری** را بر باد دادندی (۴۲).

معروض پایه سریر خلافت **مصیر پادشاهی** گردانید (۱۰۲)

خواقین گردون احتشام (۱۶۳)، **پادشاه** فریدون **حشمت کسری** معدلت **سلطان جم** اقتدار **اسکندرمدار** (۴۵۳).

فریاد الأمان به ایوان کیوان رسانیدند (۶۳).

رایت سلطنت به ایوان کیوان رسانید (۷۲).

بکرات از **بکرات قدسی** سمات **احوال** ایشان **استماع** افتاده (۸۳).

تلمیح: اکثر تلمیحات بکاررفته در شرفنامه، از نوع اشاره به آیه و احادیث است. میر شرفالدین از تلمیحات در راستای مفاهیم تاریخی بهره برده است. بهره بردن او از آیات قرآن کریم، گاهی بصورت درج و ترجمه است؛ گاهی بخش عمده‌ای از آیه را می‌آورد و گاهی تنها یک عبارت، واژه یا اصطلاح را از متن قرآن قرض میگیرد. میتوان گفت در هر صفحه از این کتاب حجیم، دست‌کم بخشی از یک آیه، بکار رفته است. همچنین یک نوع **هنجارگریزی** و **برجسته‌سازی** هنری و نسبتاً شخصی در شرفنامه بفرآوانی بکار رفته است که توجه خواننده را جلب میکند و آن، شیوه ساخت ترکیب‌های وصفی و اضافی است که در بسیاری موارد، جزء پس از کسره، یک عبارت عربی طولانی و در اکثر موارد، بخشی از یک آیه یا حدیث است که در افتتاح سخن، بیشتر است:

از صدای خطبه و جعلناکم خلائف فی الأرض... (۲)
 به سکه و لقد کرمانا بنی آدم، ... دارالسلطنه و رفعاها مکاناً علیاً، ... سریر سلطنت و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا،
 ... خلعت فاخره و جعلناکم شعوباً و قبائل، ... فحوای کنت نبیاً و آدم بین الماء و الطین، ... مقتضای و ما أرسلناک
 إلا رحمة للعالمین، ... نهضت همایون سبحان الذی أسری (۳).

عبرت و فکرت درین باب که لقد کان فی قصصهم عبره لأولی الألباب (۶).

مضمون ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به (۷).

محرران نامه تدبیر و هو علی شیء قدیر (۱۲).

صدای أنا ولاغیری (۵۲).

یَسْتَعْفِرُونَ بِالْأَسْحَارِ، ... فَاعْتَبِرُوا يَا أُولَى الْأَبْصَارِ (۹۴)، وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ (۱۶۶).

يا أَيَّتْهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ إِرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مُّرْضِيَةً (۱۷۰).

حدیث: كُنْتُ نَبِيًّا وَ أَدَمَ بَيْنَ الْمَاءِ وَالطِّينِ (همان: ۳)، لی مع ... وقت (۴).

تضمین: در شرفنامه، افزون بر ضرب‌المثلهای و کنایات، آیه، حدیث، روایت و اشعار فراوانی بکار رفته است. شرفالدین بیش از ۱۹۰ بار، بازگو کردن رویدادها را با چاشنی شعر، همراه کرده است. این اشعار گاهی تنها یک مصراع هستند که با حرف «ع» مشخص شده‌اند و گاه به ده‌ها بیت میرسند که با واژه «نظم» از متن، متمایز شده‌اند. در برخی موارد، شعر فی‌البداهه از زبان شخصیت ماجرا سروده شده است؛ برخی از خود مؤلف هستند و در بیشتر موارد، از شاعر نامی برده نشده است. تعدادی از این اشعار، در دیوان شاعران معروف نیست یا شاید یافتنشان بسیار دشوار است.

دست دراز از پی یک حبه سیم

به که بُرند بدانگی و نیم (۱۳)

دل درین پیرزن عشوه‌گر دهر مبنند

کین عروسبست که در عقد بسی داماد است (۳۲)

کنایه: میر شرفالدین از آنجاکه تاریخ کردها را بیان میکند، معمولاً کنایه‌ها در نثر او جایگاه خاصی دارد. بیشتر کنایه‌ها در دیوان او از نوع فعلی و ایماء است.

عروس ملک را سه طلاق گفته (۵۱).

قرعه مشورت در میان انداخت (۵۸).

اگر غباری از ممر این بنده بر ضمیر انور نشسته (۵۹).

سر از ربقه اطاعت و انقیاد تیموری کشیده (۹۰).

دمار از روزگار برآوردند، ... بعد از آن دست از دامن دنیای فانی کوتاه کرده و چنگ در گریبان عالم باقی زده
 بدارالبقا انتقال فرمود (۹۴).

آخر الأمر از وادی قتل او گذشته (۹۶).

محل آنست که ابوبکر آقا را از پا درآورم (۱۰۵).

تصاویر و صناعات متعدد، فراوان و پی‌درپی: گاهی در عبارات شرفنامه، به تصاویر چندگانه و پشت سرهم میرسیم که از چندجهت قابل تحلیل و بررسی هستند.

بر ضمیر منیر اکسیرتأثیر جوهریان سخن‌شناس و خاطر تصویرپذیر صافی‌رایان نوراقتباس صورت این قصه در پرده التباس نماند (۸۹).

قصه بهادران جلادت‌آثار درون قلعه را از وجود مخالفان پریشان‌روزگار بصیقل تیغ آینه‌کردار چون درون خلوت‌نشینان پاکیزه‌اطوار و قلوب محرمان سراپرده اسرار و صدور مشغولان {مشمولان} آیه کریمه استغفرون بالأسحار مصفی ساختند و ندای فاعتبروا یا اولی الأبصار را بگوش هوش اقصای و ادانی رسانیده مجدداً خیام حکومت عباسیانرا در سر قلعه دژ باوج مهر و ماه برافراختند (۹۴).

تسبیح الصفات: یکی از راههای زیبایی‌آفرینی و شاعرانه نمودن سخن، آوردن واژه‌ها و صفات شاعرانه و زیبایی است که هر سخنور سحرآفرینی به شیوه‌ای خاص، به این کار دست میزند. نویسنده کتاب شرفنامه نیز از این صنعت با چیره‌دستی تمام استفاده کرده و بر جذابیت کلام خود برای بر سر ذوق آوردن و تحت تأثیر قرار دادن مخاطب خویش استفاده کرده است.

اکثر این طایفه شجیع و متهور و سخی و متکبر باشند (۱۳).

فلک‌الدین حسن بغایت زیرک و دانا و متدین بود اما بلا نهاییه مزاح دوست‌داشتنی و عزالدین حسین جبار و قهار و کینه‌ور بوده و بر مجرم البته رحم نکردی (۴۲).

مصصام‌الدین محمود جوانی بود در غایت شجاعت و مردانگی و نهایت سخاوت و مردانگی با سپاه گران از خوزستان بحدود خرم آباد آمد (۴۳).

سطح فکری (بنمایه‌های فکری و محتوایی اثر)

یکی از قلمروهای قابل بررسی و کنکاش در سبک‌شناسی، بررسی متون در سطح فکری است. بررسی آثار از جنبه ایدئولوژیک، موضوعی قابل تأمل و میان‌رشته‌ای است و میتواند با بسیاری از رشته‌های علوم انسانی در ارتباط باشد. با بررسی اندیشه شاعران و نویسندگان هر دوره، بسیاری از ویژگیهای جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، روابط سیاسی و... بر ما آشکار میگردد. بسته به نوع جهان‌بینی غالب در یک دوره، جامعه با شتابی روزافزون بسوی رشد و شکوفایی گام برمیدارد و چه بسا با جهان‌بینی ایستا و کوتاه‌نگری، نه‌تنها از پویایی بازماند، به پسرفت دچار گردد. با توجه به سه عامل ایدئولوژی حاکم در سرتاسر آثار فارسی پیش از صفویان، محیط پرورش امیرشرف و اندیشه و افکار و مذهب پدران امیرشرف، به بررسی عبارات و جملات اندیشه‌مند مؤلف میپردازیم.

جبر یا اختیار: میتوان گفت این بخش از جهان‌بینی مؤلف، مهمترین و مؤثرترین بخش جهان‌بینی است؛ نکته‌ای که به فرد، اراده و امید میبخشد و یا در نقطه مقابل، با اعتقاد به جبر، اختیار را از فرد، سلب مینماید. امیرشرف، همانند بسیاری از پیشینیان، جبرگراست. مروری بر عبارات و اصطلاحاتی که بکار برده، این قضیه را مبرهن میسازد: قضا را (۵۳ و ۹۲)، پنج پسر نیک‌اختر (۷۳)، دست تقدیر (۸۲)، اجل موعود (۸۳)، اتفاقاً (۹۲)، فراش قضا (۲۲۲)، از امداد بخت و طالع مسعود (۲۷۵)، نزدیک بآن رسیده بود که بیکدیگر افتاده فساد و فتنه عظیم پیدا شود که بیکبار حق تعالی نواب شاهی را صحت ارزانی فرمود (خاتمه: ۲۴۵).

جبرگرایی و اعتقاد به قضا و قدر و سرنوشت محتوم، طالع مسعود، نیک‌اختری،... در سرتاسر این اثر، دیده میشود. مؤلف در این بخش از مؤلفه‌های جهان‌شناسی، آنجا که جبرگراست به حافظ نزدیک میشود:

رضا به داده بده وز جبین گره بگشای که بر من و تو در اختیار نگشاده‌ست

جام می و خون دل هر یک به کسی دادند در دایره قسمت، اوضاع چنین باشد

(دیوان حافظ: غزل شماره ۳۷ و ۱۶۱)

و آنجا که اصطلاحات بخت و طالع و از این دست را بگونه‌ای بکارمیبرد که سرنوشت را در گردش اجرام آسمانی میبیند، یادآور انوری و خاقانی است:

گردون کبودپوش کردست در هجر تو آفتاب من زرد
(انوری: غزل شماره ۸۳)

گر نه عشق او قضای آسمانستی مرا از بلای عشق او روزی امانستی مرا
(دیوان خاقانی: غزل شماره ۸)

اما هیچ اثری از خردگرایی و جسارت نیست؛ نه از نوع خیامی: چرخ از تو هزاربار بیچاره‌تر است (رباعی شماره ۴۸)

نه از نوع ناصر خسرو که بارها اعلام میدارد اجرام آسمانی در نگاشتن سرنوشت انسان، هیچکاره‌اند (دیوان ناصر خسرو: قصاید شماره ۶، ۱۶۵ و موارد دیگر).

سلطان، سایه پروردگار بر زمین است: با اینکه شاه تهماسب، همواره برای آرام نگاه داشتن اوضاع، به کشتار و سرکوب متوسل میشده و بویژه با کوردها دشمنی خاص داشته، امیر شرفالدین بارها و بارها به مدح و برشمردن القاب دروغین و ملال‌انگیز میپردازد. در جای‌جای شرفنامه این باور دیده میشود که حاکمان ازسوی پروردگار منصوب گردیده‌اند؛ از آن جمله است:

ذوالجلالی که قدم فرقدان‌سای خوانین معدلت‌گزين را بر سریر سلطنت و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا بقانون عدالت قاعده جلوس ارزانی فرمود بی‌زوالی که صفحه شمشیر پادشاهان جهانگشای را آینه چهره‌نمای عروس فتح و نصرت نمود و به مقتضای حکمت شامله‌اش نظام مهام عالم وانتظام امور بنی‌آدم را بوجود فایض‌الجود سلاطین معدلت‌آیین منوط و مربوط گردانید و برحسب مشیت کامله‌اش گروهی را در میان عشایر و قبایل بخلعت فاخره و جعلناکم شعوبا و قبایل ممتاز ساخته بمنصب جلیل‌القدر امارت رسانید و فراخور قابلیت و استعداد هریکی مراتب پادشاهی و ملکی و امیری تعیین نمود (۳).

از نظر امیرشرف، همه چیز محکوم به نابودی و فنا است: آری از افق حدوث اختر دولتی طلوع نکرد که بسرحد افول نرسید و در عرصه ظهور کاخ حشمتی سر بگردون نکشید که از زلزله فنا اختلال‌پذیر نگشت (۳۹۳) او در خط فکری و کاربرد واژگان متون نثر پیش از خود نیز گاهی به نجم‌الدین رازی در *مرصادالعباد* نزدیک میشود و گاهی به بیهقی.

از *مرصادالعباد*: «الحمد لله رب العالمین و صلواته علی نبیه و حبیبه محمد و آله و عترته الطیبین الطاهرین و خلفائه الراشدين و اصحابه و ازواجه اجمعین وسلم تسلیم کثیراً حمد بیحد و ثنای بیعد پادشاهی را که وجود هر موجود نتیجه جود اوست...» (مرصادالعباد: سرآغاز).

از شرفنامه بدلیسی: «افتتاح سخن حمد و ثنای پادشاهی باید که ثنای ستایش از ضمیر منیر چون خورشید جهان‌گیر تا مدارج سپهر برین برآید...» (شرفنامه: افتتاح سخن).

از *تاریخ بیهقی* با استناد به آیه قرآن: «زندگانی خداوند عالم، سلطان اعظم، ولی النعم دراز باد... و قضای ایزد، عزوجل چنان رود که وی خواهد و گوید و فرماید نه چنانکه مراد آدمی در آن باشد که بفرمان وی است، سبحانه و تعالی، گردش اقدار و حکم او راست در راندن منحت و محنت و نمودن انواع کامگاری و قدرت، و در هرچه کند عدل است و ملک روی زمین از فضل وی رسد ازین بدان و از آن بدین الی أن یرث الله الأرض ومن علیها و هو

خیرالوارثین» همچنین اصطلاحاتی مانند نارالله برهانه و رضی الله عنه (تاریخ بیهقی: نامه اولیای دولت امیرمحمد پس از خلع او به امیر مسعود).

بخشی از کتاب شرفنامه با استناد به آیه قرآن: «توانایی که لوای رفعت سلاطین شوکت‌آیین بشر را در دارالسلطنه و رفعا مکناعلیاً مرتفع ساخت قادری که رایت اقتدار خواقین کامکار را در امصار و اقطار عالم به اوج فرمان‌دهی و کشورستانی برافراخت. ذوالجلالی که قدم فرقدان‌سای خوانین معدلت‌گزین را بر سریر سلطنت و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا بقانون عدالت قاعده جلوس ارزانی فرمود. بیزوالی که صفحه شمشیر پادشاهان جهانگشای را آینه چهره‌نمای عروس فتح و نصرت نمود و بمقتضای حکمت شامله‌اش نظام مهام عالم و انتظام امور بنی‌آدم را بوجود فايض الجود سلاطین عدالت‌آیین منوط و مربوط گرداند و برحسب مشیت کامله‌اش گروهی را در سایه عشایر و قبایل بخلعت فاخره و جعلناکم شعوبا و قبایل ممتاز ساخته بمنصب جلیل‌القدر امارت رسانید و فراخور قابلیت و استعداد هریکی مراتب پادشاهی و ملکی و امیری تعیین نمود... (شرفنامه: افتتاح سخن).

دوگانگی مذهبی - نژادی: امیرشرف‌الدین در قم و در دربار صفویان پرورش مییابد و از جانب شاه تهماسب، امیرالامرا لقب میگیرد. هم شاهان صفوی و هم شاهان عثمانی ترک هستند. سرگردانی و گرایش دوگانه فکری - مذهبی مؤلف، نشانه فضای سختگیرانه حاکم بر جامعه است؛ فضایی که مؤلف، جرئت ابراز مذهب خویش را نداشته، به مذهب جدید نیز دل نسپرده است. در روزگار صفویه، احتیاط مذهبی نیز بیش از هر زمان دیگری رایج است. شرفنامه از جنبه فرهنگ و باورها، اثری ترکیبی است؛ از یک سو ترکیبی از فرهنگ کرد و فارس و ترک و عرب و از سوی دیگر، آمیزه‌ای از عقاید مذهبی سنی - شیعی. از همین رو هرگونه باور و اصطلاحی به هر زبان و فرهنگی در این کتاب یافت میشود.

نمود جهانبینی مبنی بر مذهب مؤلف و نیاکان و پدران وی

محمد المصطفی صلی ... علیه و آله و صحبه و سلم، ... بر اصحاب و احفاد و امجاد او، {ابوالمظفر} حامی اهل السنه و الجماعه، رافع رايات الخلافه (۴)، ثالث عمرین (۵) بمقتضای سنت نبوی (۱۸)، مشهور است که چهارهزار مسئله در مذهب امام شافعی رضی ... عنه در خاطر داشته... (۴۱)، جاده سنن سنیه (۷۴)، ادای نماز عصر (۱۰۳) و بعضی ازین طوایف بطریق اهل سنت و جماعت عمل نموده بمذهب حضرت امام معظم شافعی رحمه الله علیه مستنداند و برخی طریق ناصواب یزیدی پیش گرفته متابعت آن قوم میکند و امراء ایشان در شعائر سنت حضرت خیرالانام و علماء اسلام جد و جهد مالاکلام دارند در میانه آن قوم زهاد و عباد بسیار است (۲۶۳)، در میان صدر جهان بخاری حنفی که عازم زیارت حج بود و خواجه عبدالملک شافعی اقاضی القضاة ممالک سلطانی مباحثه مذهب افتاده تقبیح یکدیگر کردند و سلطان، مذهب حضرت امام شافعی رضی الله عنه اختیار کرد آخر بسعی شیخ جمال‌الدین حسن بن سدیدالدین یوسف مطهر حلّی مذهب امامیه قبول کرد احکام و فرامین بممالک محروسه فرستاد که در خطبه و سکه اسامی ائمه اثنی‌عشر را مذکور و منقوش گردانند (۲۳)، قاعده رفض والحداد (۳۳۳)، مذهب روافض را رواج داد (۳۴۳)، داخل بلده دارالسلام شد زیارت مرقد مقتدای امم و امام معظم ابوحنیفه کوفی مشرف شده (خانمه: ۱۸۴).

اصطلاحات دینی و فقهی جامع مربوط به شرع اسلام

حکمت شامله، مشیت کامله، روح الامین (۳)، و عنایت الهی شامل حال امت حضرت رسالت پناهی گشته کلانتر

نصاری اسیر گردید (۶۲)، عالم آخرت، عالم جاودانی (۸۴)، کفره نصرانی (۹۳)، کاربرد ترکیب «عالم آخرت» در ص (۵۳) و سیزده بار دیگر «عالم جاودانی» در ص (۲۵۵) و سه بار دیگر، کاربرد ترکیب «عالم فانی» در ص. ۶۲ و نه بار دیگر «عالم آب و گل» در ص ۷۳، عز شهادت و درجه شهادت (۲۸، ۲۹، ۱۰۳، ۱۳۴، ۱۴۳، ۴۱۴، ۴۴۵، ...)، «جهان فانی» (۸۴ و ۲۵۳)، رسول ا... و خاتم النبیین (خاتمه: ۳)، حق تعالی (۲۴۵)، از این جهان فانی به عالم جاودانی ارتحال نمود (خاتمه: ۲۵۳)، کفار خاکسار، شعایر اسلام، کافران، غیرت دین مبین و حمیت شرع سیدالمرسلین (خاتمه: ۳۰۴)، بعون الله الملك الحمید المجید (۱۱۳) الحمد لله الملك المعبود (۳۲۴)، عیاداً بالله (۳۷۵)، جزاهم الله تعالی خیرالجزاء (خاتمه، ۱)، رحمهم الله تعالی (خاتمه، ۴).

چند نکته دیگر: افزون بر مواردی که ذکر شد، شرفنامه مطالب متنوع دیگری نیز دربردارد که به اشاره عبارتند از: تاریخ، جغرافیا، اقلیم‌شناسی، آب‌شناسی (۳۳۵)، خاک‌شناسی، هواشناسی (۳۵۳) و چند مورد دیگر، مردم‌نگاری، علم پزشکی، آداب و رسوم (۱۳۱)، واحدهای مسافت، وزن، واحد پول، آیین حکومت‌داری، حکم قصاص، دفاع از حقوق زنان، ...

نتیجه‌گیری

شرفنامه میرشرفخان بدلیسی یا تاریخ کرد و کردستان، کتابی است در توضیح نسب و نژاد اکراد و بزرگان و فرمانروایان. این کتاب که در دوره صفویه نگاشته شده است از جهت درونمایه، منحصر بفرد است. نویسنده این کتاب، در زمینه استفاده از زبان شعر، از اشعار فارسی بیشترین بهره را برده و شعر عربی در این اثر یا نیست یا بسیار ناچیز است. نثر کتاب، در عین تأثیرپذیری از اصطلاحات زبان مادری مؤلف، گاه مصنوع و مسجع، گاه دشوار و در اغلب اوقات، ساده و قابل فهم است و از لحاظ متن و ساختار، اگرچه متن‌شناسان و صاحب‌نظران گاهی آن را در دسته نثر التقاطی و آمیخته آورده‌اند (شیری) و گاهی در گروه نثر ساده (شمیسا)، بطور کلی با چشم‌پوشی از برخی واژگان ترکی دشوار و لغات عربی نامأنوس، نثری ساده و قابل فهم دارد. از جنبه ادبی، از میان صنایع بدیعی لفظی در این کتاب، سجع، جناس و پس از آن تکرار، بالاترین بسامد را دارند. تشبیهات بکاررفته اغلب از نوع حسی به حسی است و کاربرد تشبیه بلیغ بسیار است. همچنین کاربرد صنایع ادبی چون کنایه، تلمیح، تمثیل، و اغراق نیز بسیار است. بسامد بسیار القاب و مترادفات، برجسته‌ترین ویژگی ممتاز شرفنامه است.

با توجه به مقدار و تنوع داده‌های شرفنامه میتوان گفت این کتاب برای بررسی فرهنگ عامه، تبارشناسی، مردم‌نگاری، جغرافیای تاریخی، علوم رایج روزگار، احکام دینی و ... منبع باارزش و سودمندی است و بسیار جای تحلیل و بررسی دارد. این پژوهش میتواند آغازی برای این راه باشد.

مشارکت نویسندگان

این مقاله، برگرفته از رساله دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشجو، لیلا آقامجیدی، تصویب‌شده در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ایلام است. راهنمای رساله، آقای دکتر حسن سلطانی کوهبنانی هستند. مشاورهای رساله، آقایان دکتر علیرضا شوهانی و دکتر قهرمان شیری هستند.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ایلام و هیئت داوران رساله که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر پژوهشی، در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و نسبت به انتشار مقاله مذکور، آگاهی و رضایت دارند. نویسنده مسؤول، جناب آقای دکتر حسن سلطانی کوهبنانی هستند.

REFERENCE

- Abolfazl Mohammad ibn Hossein Bayhaqi. (۲۰۱۰). History of Bayhaqi, by Khalil Khatib Rahbar, Tehran: Mahtab.
- Afzaluddin Badil bin Ali Najjar (۲۰۰۳). Divan Khaghani Shervani, by Ziauddin Sajjadi, Tehran: Zavvar.
- Ahmadi, Babak. (۱۹۹۱). Text structure and interpretation, Tehran: Markaz Publishing, p. ۶۸.
- Badlisi, Mirsharafuddin. (۱۹۹۸). Sharafnameh, by Vladimir Valiaminov Zarnov, Tehran: Asatir.
- Badlisi, Sharaf Khan. (۱۹۶۴). Sharafnameh with introduction and comments by Fahars, Mohammad Abbasi, NI: Scientific Press.
- Bahar, M. Taqi. (۱۹۹۴). Stylistics, Tehran: Amirkabir, p. ۲۸۹.
- Ghobadiani, Nasser Khosrow. (۲۰۰۴). Description of thirty poems, by Mehdi Mohaghegh, Tehran: Toos.
- Haghsheenas, Ali M. (۱۹۹۷). Phonetics, Tehran: The role of the world, p. ۱۱-۱۲.
- Homayi, Jalaluddin. (۲۰۰۴). Rhetoric Techniques and Literary Crafts, Tehran: Homa, p. ۴۸.
- Jamali, Shahrooz. (۲۰۰۴). Repetition of the basis of poetry music, *Keyhan Farhangi*, Vol. ۲۱۶, pp. ۶۰-۶۱.
- Mohseni, Ahmad. (۲۰۰۳). Row and music of Mashhad poetry, Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad, p. ۱۲-۱۳.
- Razi, Najmuddin. (۲۰۰۸). Selected by Mersad al-Ebad, with introduction by Mohammad Amin Riahi, Tehran: Maharat.
- Shamisa, Sirus. (۱۹۹۹). Bayan, third edition, Tehran: Mitra.
- Shiri, Ghahreman. (۲۰۱۹). Persian Autumn Fall, Tehran: Vara.

فهرست منابع فارسی

آواشناسی، حق‌شناس، علی‌محمد. (۱۳۷۶). تهران: نقش جهان.

- بیان، شمیسا، سیروس. (۱۳۷۸). چاپ سوم، تهران: میترا.
- پاییز نثر فارسی، شیری، قهرمان. (۱۳۹۸). تهران: ورا.
- تاریخ بیهقی، ابوالفضل محمدبن حسین بیهقی. (۱۳۸۹). به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران: مهتاب.
- تکرار اساس موسیقی شعر، جمالی، شهروز. (۱۳۸۳). کیهان فرهنگی، ش ۲۱۶، صص ۶۰-۶۱.
- دیوان خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل‌بن علی نجار. (۱۳۸۲). به کوشش ضیاء‌الدین سجادی، تهران: زوار.
- ردیف و موسیقی شعر، محسنی، احمد. (۱۳۸۲). مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- ساختار و تأویل متن، احمدی، بابک. (۱۳۷۰). تهران: نشر مرکز.
- سبک‌شناسی، بهار، محمدتقی. (۱۳۷۳). تهران: امیرکبیر.
- شرح سی قصیده، قبادیانی، ناصر خسرو. (۱۳۸۳). به اهتمام مهدی محقق، تهران: توس.
- شرفنامه با مقدمه و تعلیقات فهارس، بدلیسی، شرف‌خان. (۱۳۴۳). محمد عباسی، بیجا: مطبوعات علمی.
- شرفنامه، بدلیسی، میر شرف‌الدین. (۱۳۷۷). به اهتمام ولادیمیر ولیامینوف زرنوف، تهران: اساطیر.
- فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی، جلال‌الدین. (۱۳۸۳). تهران: هما.
- گزیده مرصادالعباد، رازی، نجم‌الدین. (۱۳۸۷). با مقدمه محمد امین ریاحی، تهران: مهارت.

معرفی نویسندگان

- لیلا آقامجیدی:** دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.
(Email: hiwa_aqamadjidy@yahoo.com)
- حسن سلطانی کوهبنانی:** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.
(Email: h_soltani12@yahoo.com : نویسنده مسئول)
- علیرضا شوهانی:** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.
(Email: Ar_shohani@yahoo.com)
- قهرمان شیری:** استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.
(Email: ghahreman.shiri@gmail.com)

COPYRIGHTS

© ۲۰۲۱ The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

- Leila Aghamajidi:** PhD student, Department of Persian Language and Literature, Ilam University, Ilam, Iran.
(Email: hiwa_aqamadjidy@yahoo.com)
- Hassan Soltani Kouhbanani:** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Ilam University, Ilam, Iran.
(Email: h_soltani12@yahoo.com : Responsible author)
- Alireza Shohani:** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Ilam University, Ilam, Iran.
(Email: Ar_shohani@yahoo.com)
- Qahraman Shiri:** Professor, Department of Persian Language and Literature, Bu-Alisina-e University, Hamedan, Iran.
(Email: ghahreman.shiri@gmail.com)